



## Iran Data Portal

Speaker or Agency: Mehdi Karroubi

Title: Karoubi's second letter to Ayatollah Hashemi-Rafsanjani: "What should have been done in the Assembly of Experts, was not done"

Language: English, Persian

Western Date: 28 September 2009

Persian Date: 6 Mehr 1388

Source: [http://www.facebook.com/note.php?note\\_id=145564177605&ref=mf](http://www.facebook.com/note.php?note_id=145564177605&ref=mf)

---

Karoubi's second letter to Ayatollah Hashemi-Rafsanjani: "What should have been done in the Assembly of Experts was not done"

Karoubi in his second important letter to Ayatollah Hashemi-Rafsanjani (Head of the Assembly of Experts) strongly criticized the performance of the Assembly of Experts regarding their duty to overlook Supreme Leader's performance.

In part of this letter he stated that:

"We see that the meeting of the Assembly of Experts was held and you (Ayatollah Hashemi-Rafsanjani) not only didn't make any criticism regarding the current situation of the country but didn't even reflect any criticism [which you should have] according to your duty, and it is even more strange that you were absent in the closing session of the meeting of this importance and in this critical situation!"

He also added that: "[I have] no fear that some deceitful propaganda in the name

of Iran and homeland attack me from land and sky and spend public recourses for their insults and get paid for it; and transfer the “national” media to a political and partisan attack machine against me; and even taint the Friday Prayer platform with their political agenda and make it a podium to attack the allies of Imam Khomeini.”

بسم الله الرحمن الرحيم  
جناب آیت الله هاشمی رفسنجانی  
ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری

با سلام

این دومین نامه ای است که پس از شبه انتخابات ریاست جمهوری اخیر به شما می نویسم. نامه اول را پس از آن که شما نوشتیم که اخباری بسیار ناگوار و تکان دهنده از درون بازداشتگاهها به گوش من رسید و بر خود دیدم که از شما بخواهم بنا بر جایگاه حقوقی خود به این اتفاقات رسیدگی کنید و نگذارید در جمهوری اسلامی تعرض به جان و مال و ناموس مردم تبدیل به امری معمول و عادی شود. متأسفانه اما آن نامه اثری در مسئولان نکرد و دیدید که بی توجهی و بی حرمتی به حقوق مردم، چه آتشی به خرمن اعتماد زد و چه آبرویی از نظام ما زایل کرد. البته صلاح مملکت خویش مسئولین دانند.

با این حال اگر آن نامه سرانجامی پیدا نکرد با خود گفتم که شاید رسیدگی به آن نامه از دایره اختیارات شما خارج بوده است. اکنون اما این نامه دوم را از آن روی به شما می نویسم که دیدم اجلاس مجلس خبرگان رهبری برگزار شد و آنچه در این مجلس باید مطرح می شد، مطرح نشد و آنچه باید توسط اعضای آن مجلس مورد کنکاش قرار می گرفت، مورد کنکاش قرار نگرفت؛ و در یک کلام مجلس خبرگان که ممتاز ترین نهاد نظارتی در نظام جمهوری اسلامی باید باشد به نهادی بی اثر تبدیل شد؛ و ماحصل این اجلاس صرفاً چند سخنرانی و صدور بیانیه ای بود که بدون برگزاری اجلاس و جمع شدن اعضای محترم آن مجلس و زحمت بردن بسیار، هم می شد آن را انجام داد.

اینچنین بود که تصمیم گرفتیم این نامه را به شما بنویسم و رشادت ها و دلیری های حضرت امام خمینی و نیروهای انقلابی در عصر ستمشاهی را یادآوری کنم و تاکید می‌کنم که امام و شاگردان او همچون من و شما بر مقابله با ظلم و جور داشتیم را به خاطر شما بیاورم، و توضیح دهم که فلسفه وجودی مجلس خبرگان رهبری و مسئولیت اعضای آن چه بود، تا بعد شما خود داوری کنید که در شرایط خطیر کنونی چه مسئولیتی بر عهده شما بوده و هست و شما تا چه حد جایگاه صندلی ای که بر آن تکیه زده اید را حفظ کرده و به چه میزان در جایگاه ریاست مجلس خبرگان، حافظ انقلابی بوده اید که اصلی ترین هدف آن مقابله با بی عدالتی و تضییع حقوق مردم بوده است.

جناب آقای هاشمی

امام خمینی در شرایطی سخت و خطیر و در تاریکی استبداد پهلوی، برای دفاع از اسلام و آزادی مردم از استبداد و استعمار، پنجه در پنجه نظامی انداخت که مستظهر به حمایت خارجی و تا بن دندان مسلح بود و خون جوانان را به ارزانی در خیابانها می ریخت. شما که یکی از شاگردان امام و در رکاب ایشان بودید می دانید که اگر نبود اعتقادی الهی و عزمی راسخ، مقابله با قدرت مطلقه شاه و استبداد شاهنشاهی و آن فداکاری ها و جانفشانی ها میسر نمی شد.

حتما به خاطر دارید که در آن شرایط هولناک و در راه مبارزه با جور و استبداد، ابتدا تعداد همراهان همدل در صنف روحانیت بسیار کم بود. هنگامه خطر کردن بود و زمانه زندان و شکنجه و بگیر و ببند و تبعید و دربدری و آوارگی. نه احتمالی قوی به پیروزی بود و نه برنامه ای برای تقسیم غنائم.

ایمان و باور قلبی به اسلام و عدالت و مردم در دلها ما حاکم بود و شوق قدم زدن در بیابان به قصد کعبه. آن رشادت ها و فداکاری ها به رهبری حضرت امام به انقلابی اسلامی و ضد استبدادی منجر شد که ما امروز وارثان آن هستیم و عدالت خواهی آن به مرزهای کشور نیز محدود نمیشد و هدفی جهانی داشت از جمله در سرزمین فلسطین و قدس شریف.

جناب آقای هاشمی

من در مقام یکی از شاگردان مکتب امام خود را مدیون ایشان و رهبری شجاعانه شان می دانم و با خود عهد کرده ام که تا پایان عمر در رکاب آن اندیشه و حافظ آن میراث گرانقدر اسلامی و ضد استبدادی باشم. چه باک که در این مسیر در نظام جمهوری اسلامی دفتر شخصی و دفتر حزبی مهدی کروی را پلمپ کنند و روزنامه اش را توقیف و یارانش را نیز در بند سازند.

چه باک که جریده هایی دهان دریده به اسم ایران و وطن، از زمین و کیهان بر من بتازند و بیت المال را خرج فحاشی خود کنند و از این راه مواجب بگیرند و رسانه ملی را نیز تبدیل به یک توپخانه حزبی و سیاسی علیه اینجانب سازند و نماز مقدس جمعه را هم به مقاصد سیاسی خود بیالایند و به مرکزی برای حمله به یاران امام راحل مبدل کنند.

من اما تحمل تمام این مصائب را برای خود شیرین ساخته ام با یادآوری آنکه چگونه طوفان های سهمگین و فراز و نشیب های دوران سخت پیش از انقلاب و پس از آن سپری شد و چگونه عزم و اراده بی نظیر امام و پایداری همراهان پولادین قدم، قساوت و شقاوت ساواک و دژخیمان پهلوی را به لذت پیروزی خون بر شمشیر و غلبه حق بر باطل مبدل ساخت. کام من چنان از آن پیروزی ها شیرین است که تلخی برخی مصائب گذرا اثری بر من نداشته و نخواهد داشت.

نیک می دانم که شما نیز در این مسیر در رکاب حضرت امام تمام آن مصائب و سختی ها را تجربه کرده اید و برخلاف عده ای دیگر، می دانید که نظام جمهوری اسلامی متکی بر سرمایه ای بسیار گرانبها و رشادت هایی بس فراوان است. شما سی سال در خدمت این نظام بوده اید و میدانید که این نظام چه مصائب و مراحل پرخطری را در مبارزه با گروههای التقاطی و الحادی پشت سر گذاشته است و چه هزینه هایی برای اعتلای نظام اسلامی و برقراری حاکمیت جمهور پرداخت شده است.

وا اسفا اما که امروز دستاورد ما از آن همه رشادت و مقابله با استبداد و عدالتخواهی چیست و به کجا رسیده ایم؟ می بینم که اجلاس خبرگان برگزار می شود و شما نه سخنی در انتقاد از شرایط حاکم بر کشور بر زبان می آورید و نه انتقادی را بنا به وظیفه خود منتقل می کنید و از همه عجیب تر در اختتامیه مجلسی بدین اهمیت در زمانه ای بدین حد خطیر غایب می شوید. از خود می پرسم آیا این همان اکبر هاشمی است با همان روحیه ای که قبل و بعد از انقلاب در او سراغ داشتیم؟

به یاد می آورم که شما .....چگونه با رشادت در حضور امام نیز هر گاه که مطلبی را لازم می دیدید هرچند که

برخلاف نظر امام بود بر زبان می آوردید. به یاد دارم جلسه ای را که در حضور حضرت امام بودیم و ایشان وصیتنامه خود را به ما ابلاغ کردند و نظر خواستند و همه سخن در تایید گفتند اما شما نکته ای را که داشتید در خود فرونبردید و بر زبان آوردید و امام نیز با بزرگواری سخن شما را پذیرفتند و بدان عمل کردند.

جناب آقای هاشمی

شما با رای مردم و نمایندگان آنها در مجلس خبرگان در راس نهادی قرار گرفته اید که حساس ترین و پراهمیت ترین نهاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. نهادی که مطابق اصل ۱۰۸ قانون اساسی عهده دار معماری و نظارت بر راس هرم قدرت در ساختار حکومتی ایران است و مسئول انتخاب و تعیین رهبری و نظارت بر عملکرد آن و سازمانهای تابعه اش.

این حقوق و اختیارات را نیز هیچ فردی به آن مجلس نداده است که بخواهد از آن مجلس پس بگیرد و ودیعه ای نیست که هر وقت پسندیدند از آن مجلس بستانند. حق آن مجلس در انتخاب و نظارت و مراقبت بر رهبری برآمده از قانون اساسی است و مستظهر به رای ملت ایران. این مجلس از چنان جایگاهی برخوردار است که هیچ نهادی حق قانونگذاری در خصوص آن را نیز ندارد و اعضای این مجلس خود حق تعیین شرایط کاری و نظارتی برای خود را دارند.

اجلاس خبرگانی با چنین جایگاهی منحصر به فرد، در شرایط خطیر کنونی برگزار شد و پرسش من از شما به عنوان رئیس این مجلس است که آیا این مجلس بر اساس وظیفه خود در این اجلاس عمل کرده است؟ آیا آن نطق های پیش از دستور و آن گزارش و بیانیه ای که صادر شد به واقع پاسخگوی پرسش ها و ابهامات جامعه امروز ایران بود؟

اگر جناب آیت الله دستغیب با آن سوابق درخشان و پایگاه عمیق مردمی که دارند نیز در آن مجلس سخنی را از سر دلسوزی گفتند چنان با ایشان برخورد شد و از ضرورت طرد و حذف و تنبیه ایشان سخن به میان آمد که گویی در آن مجلس جز به تمجید و تجلیل نباید سخن گفت و هیچ خبره ای حق انتقاد از شرایط کشور را ندارد و دهان آن خبره ای که از هفت خوان شورای نگهبان گذشته و توانسته به مجلس خبرگان راه یابد را باید با خاک پر کرد تا مبادا جز به مداحی و تجلیل از شرایط موجود سخنی بگوید! به راستی که ما به کجا می رویم؟

و اگر قرار بر این بود و هدف مقدس همه ما در مبارزه با استبداد و استعمار رسیدن به چنین نقطه ای بود چه

احتیاجی بود به مجلس خبرگان؟ اگر قرار بر این است که در مجلس خبرگان هیچ خبره ای جز به تایید سخن نگوید آیا بهتر آن نیست که اجلاس سالانه ای هم برگزار نکند؟

به راستی دیگر چه احتیاجی است به هزینه کردن از بیت المال و داشتن ساختمان و دفتر و کارمند و این همه هزینه کردن. آیا بهتر نیست چنین مجلسی را بگذارید فقط برای روز مبدا که خدای نکرده اتفاقی برای مقام رهبری رخ دهد؟

اجلاس مجلس خبرگان برگزار شد و توقع آن بود که نمایندگان مردم در این مجلس نگاهی موشکافانه به آنچه روز انتخابات ۲۲ خرداد رخ داد و حوادث و بحران های قبل و پس از آن داشته باشند. گمان اما نمی کردم که در این اجلاس، خبرگان ملت، بحران مبتلا به کشور را "فتنه" بخوانند و چنین به امید پاک کردن صورت مساله، سر خویش را به زیر برف کنند. به راستی جنابعالی که قبل از انتخابات "آتشفشان" خشم مردم را روشن دیده و آن را اعلام عمومی کرده بودید چگونه تایید فرمودید که تصاعد این آتشفشان را امواج فتنه بخوانند و چنین بی دغدغه از کنار شرایط خطرناک مترتب بر کشور بگذرند؟

در عجبم که با قانون اساسی، این میراث گرانبهای امام و خونبهای شهیدان و ثمره تلاش و پایداری رهروان انقلاب، و با یکی از اصلی ترین پایه های آن که همانا مجلس خبرگان رهبری است چه رفتاری می شود! و عظمت این مجلس و جایگاهی که می تواند در حفظ و سلامت نظام جمهوری اسلامی و احقاق حقوق مردم داشته باشد، چه سرنوشتی پیدا کرده است!

ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری

امام اگر این مجلس را مایه تقویت رهبری می دانستند منظورشان نه فقط قدردانی و تایید محسنات که نقد ایرادها از طریق اعمال و انجام وظیفه نظارتی نیز بود. متأسفانه اما جایگاه این مجلس در سالهای گذشته بدانجا رسید که نمایندگان ادوار آن همچون آیات عظام رحمت الله علیهم احسان بخش و جمی و عبایی خراسانی و خلخالی و آیت الله عباسی فر را قلع و قمع کردند و تیغ نظارت استصوابی بر گردن آنها نهادند و کسی هم دم بر نیاورد که این چه بلایی است که بر سر خبرگان ملت این نظام می آورند و مگر آنها چه گناهی کرده بودند که مستحق حذف قرار گرفتند.

نتیجه آن سکوت‌ها است که امروز عده‌ای به خود جرات می‌دهند به محض شنیدن صدایی ناخوشایند از یک نماینده، فریاد اخراج و حذف او را سر دهند. غافل از آنکه چنین اختناق و سختگیری‌هایی آن هم در حق یک نماینده مجلس خبرگان با هیچ عقل سلیمی قابل توجیه نیست. چگونه می‌توان برای مردم توجیه کرد خفه کردن و بستن دهان یک نماینده مجلس خبرگان را که وظیفه‌ای سنگین بر عهده او گذاشته شده است صرفاً بدان دلیل که حرفی ناخوشایند عده‌ای زده است؟

این دم خروس چیزی نیست که بتوان به راحتی از عهده پنهان کردنش برآمد؟ و باید که مقام رهبری خود وارد عمل شوند و در برابر این بی‌حرمتی‌ها در حق یک نماینده مجلس خبرگان بایستند و ممانعت به عمل آورند. و به راستی آیا مجلسی با این ترکیب که تحقیر عضو آن نیز چنین رایج و ممکن است چگونه می‌تواند در هنگامه‌ای سخت و در روز مبادا، تصمیمی شایسته و بایسته برای کشور و ملت بگیرد؟

جناب آقای هاشمی

پاسخ شما چیست به مردمی که از وظایف مجلس تحت ریاست شما در شرایطی چنین خطیر پرسش می‌کنند؟ آیا اگر مجلس خبرگان در اجلاس خود نگاهی گذرا به آنچه که در چهار سال گذشته بر این مملکت رفته است می‌انداخت نمی‌توانست بسیار بهتر زمینه‌های پیدایش بحرانی که بر مملکت حاکم است - و شما البته فتنه‌اش خوانده‌اید - را دریابد؟

شما در سخنرانی‌های قبل و بعد از انتخابات خود بارها به بحران‌های اقتصادی و به هم خوردن سند چشم‌انداز در کشور و انحراف از آن اشاره کرده‌اید ولی آیا پرداختن به این بحران‌ها نباید جایی در مجلس خبرگان پیدا می‌کرد؟ آیا در وظیفه شما در مجلس خبرگان نیست که رسیدگی کنید به آنچه که به نام خصوصی‌سازی و انجام اصل ۴۴ قانون اساسی انجام می‌شود و نهادهای تحت نظارت رهبری همچون سپاه و ستاد اجرای فرمان امام (که بنا به فرمانی که امام به بنده و آیت‌الله حسن صانعی دادند قرار بود حداکثر طی دو سال کلیه اموال توقیفی‌اش یا رفع توقیف و یا با بررسی دقیق در صورت نامشروع بودن مصادره شود و این ستاد به کار خود پایان دهد؛ ستادی که نوه گرامی حضرت امام نیز بارها گله کرده و درخواست داشته‌اند که در صورت تعطیل نکردن آن حداقل لفظ "امام" را از عنوان آن بردارند) سهام یک وزارتخانه دولتی را در نیمی از یک ساعت به نام خود می‌کنند و به نام خصوصی‌سازی حماسه‌ای دیگر در ادامه و تکمیل حماسه انتخابات ریاست جمهوری اخیر می‌آفرینند؟

به راستی تا چه حد در این اجلاس به سیاست خارجی بدون طرح و برنامه‌ای که موجب و هن نظام ما در مجامع

بین المللی شده است پرداخته شد؟ آیا مشکلات اجتماعی حاکم شده بر کشور و امنیتی کردن فضای سیاسی جامعه و دانشگاه ها و مراکز مختلف کشور از هیچ اهمیتی برای بررسی برخوردار نبود که اعضای آن مجلس توجهی بدان نکردند؟ به راستی تا چه حد در این اجلاس به عملکرد برخی سازمانهای تحت نظارت رهبری که نظارت عالی بر آنها بر عهده شما در مجلس خبرگان است رسیدگی شد؟ آیا مروری نکردید بر آنچه در رسانه به اصطلاح ملی ما می گذرد و افتی که مخاطبان این رسانه پیدا کرده اند؟

آیا صحبتی در این خصوص شد که چرا سه کاندیدای به ظاهر ناکام شبه انتخابات اخیر را در قوطی می کنند و یاران آنها را در سلول انفرادی می اندازند و آنها صرفاً در گذر از سلول های انفرادی است که می توانند راهی به آن رسانه ملی آن هم برای پخش اعترافات پیدا کنند و با این حال درهای این رسانه اما به روی حامیان کاندیدای پیروزخوانده و دادستان محترم کشور باز است که بیایند و سخنان خود را یکسویه علیه کاندیداهای دیگر مطرح کنند و بروند؟ آیا شما بر این نکات واقف نبودید؟

واقف بودید و اگر در این اجلاس به آنها اشارتی نشد آیا این بدان مفهوم نیست که روحیه عدالت خواهی و رشادت انقلابی از میان ما رخت بر بسته و زایل شده است؟ و امروز به راستی چه پاسخی دارید در برابر آنهایی که مدعی اند این مجلس وظیفه نظارتی خود را فراموش کرده و به نهادی بی اثر و تبلیغاتی مبدل شده است؟ آیا جای آن نبود که اعضای این مجلس سه کاندیدای معترض به نتیجه انتخابات را که همگی از سرمایه ها و خدمتگزاران این نظام بوده اند فرا می خواند و سخن آنها را می شنید و پس از آن مبادرت به صدور بیانیه خود می ورزیدند؟

جناب آقای هاشمی

بر خود می بینم که بخشی از تعبیر حضرت امام در خصوص جایگاه مجلس خبرگان را برای شما و دیگران یادآور شوم که فرمودند: «اکنون شما ای فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستمدیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستمشاهی، مسئولیتی را قبول فرمودید که در رأس همه مسئولیت هاست، و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنج دیده و شهید داده و داغ دیده در گرو آن است.

تاریخ و نسل های آینده درباره شما و ملت قضاوت خواهند کرد و اولیاء بزرگ خدا ناظر آرا و اعمال شما می باشند: والله من ورائهم محیط و رقیب. کوچکترین سهل انگاری و مسامحه و کوچکترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواستہ تبعیت از هوای نفسانی که ممکن است این عمل شریف را به انحراف کشاند بزرگترین فاجعه تاریخ را بوجود خواهد آورد».



و به راستی چه نسبتی است میان عملکرد کنونی این مجلس با آنچه امام در خصوص جایگاه آن مجلس بر زبان آورده اند و اختیاری که قانون اساسی و تدوین کنندگان آن بنا به رای مردم به این مجلس و نمایندگان آن اعطا کرده است؟ چه جای انکار است که مجلسی چنان مهم در زمانه ای چنین خطیر به نهادی بی اثر مبدل شده است.

و من مهدی کروی امروز این نامه را به شما نوشتم و از باب تذکر و یادآوری این نکات را بازگو کردم تا به وجدان خویش در برابر امام راحل، انقلاب و مردم شریف ایران عمل کرده و نشان داده باشم که آنچه بر آن مجلس می رود نه به نفع نظام است و نه به نفع مردم و نه تضمین کننده جمهوریت و اسلامیته که بیش از ۹۸ درصد مردم در فروردین ۱۳۵۸ به آن رای دادند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

مهدی کروی